

به نام

مخاطبی

که خالق ماست

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده هنرهای کاربردی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته مرمت اشیاء فرهنگی و تاریخی

عنوان

بررسی نقد در حوزه‌ی مرمت آثار میراث فرهنگی با تأکید بر
نقد مخاطب محور

استاد راهنما

دکتر علی زمانی فرد

نگارنده

سیده فرنوش حسینی

بهمن ۱۳۹۲

تعهد نامه

اینجانب ...سیده فرنوش حسینی... اعلام می دارم که تمام فصل‌های این پایان نامه و اجزاء مربوط به آن برای اولین بار (توسط اینجانب) انجام شده است. برداشت از نوشته‌ها، کتب، پایان‌نامه‌ها، اسناد، مدارک و تصاویر پژوهشگران حقیقی یا حقوقی (فارسی و غیرفارسی) با ذکر مأخذ کامل و به شیوه تحقیق علمی صورت گرفته است.

بدیهی است در صورتی که خلاف موارد فوق اثبات شود مسوولیت آن مستقیماً به عهده اینجانب خواهد بود.

تاریخ ۶ ۹۲/۱۱/۲

امضاء

چکیده

درک میراث فرهنگی به عنوان درپای انسان در طول تاریخ، حرکتی است اجتماعی که علاوه بر اهمیت حفاظت کالبدی اثر، به درک مخاطب و ارتباط متقابل وی با اثر تاریخی توجه دارد. از طرفی، مأموریت اصلی مرمت‌گر، حفاظت از اثر هنری به منظور صیانت از تاریخ و فرهنگ گذشتگان است که در سایه‌ی پُررنگ کردن نقش و حضور فعال مخاطب آثار و درک وی از مرمت میراث فرهنگی به بار می‌نشیند. لذا پژوهش حاضر بر آن است با معرفی مخاطب فعال به عنوان مؤثرترین عنصر در چرخه‌ی مرمت آثار میراث فرهنگی و هم‌چنین با نگاهی کوتاه بر انواع نقد و جامعه‌شناسی مرمت آثار میراث فرهنگی و با تمرکز بر نقد مخاطب محور به عنوان نقدی کارآمد در زمینه‌ی حضور، مشارکت و درک مخاطب از اثر تاریخی، الگویی را معرفی کند که ضمن ورود مفاهیم میراث فرهنگی به حوزه‌ی عمل، ارزیابی آثار مرمت شده را از دو جنبه فراهم آورد: مطابقت با اصول و مبانی نقد ساختارگرا در حوزه‌ی علمی و فنی و درک مخاطب بر پایه‌ی نقد پساساختارگرا تا از این طریق بتواند گامی در جهت تقویت حضور و نقش نقد و درک مخاطب در حوزه‌ی مرمت آثار میراث فرهنگی بردارد. نوشتار حاضر، پژوهشی توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهدات میدانی و مصاحبه است. بدین منظور پس از معرفی چهار موزه ملی، ملک، مقدم و جواهرات، با تحلیل پرسش‌نامه‌های به‌دست آمده از جامعه‌ی آماری مورد نظر، مصاحبه با متخصصین مرمت، جدولی بر مبنای الگوی پیشنهادی نقد ساختارگرا و پساساختارگرا طراحی شده است تا از این طریق علاوه بر آسیب‌شناسی وضع موجود حضور و نقد مخاطب و ارائه‌ی راهکارهای ارتقاء نقد مخاطب محور و پاسخ‌گویی به نیاز مخاطب فعال در جغرافیای ایران زمین را ممکن سازد. نتایج این تحلیل حاکی از آنند که حوزه‌ی مرمت آثار میراث- فرهنگی در زمینه‌ی عمل، حضور و نقد مخاطب از سایر حوزه‌های هنری و ادبی بازمانده است. بنابراین، تقویت جنبه‌های ارتباط و پاسخ‌گویی به نیاز مخاطب فعال مؤثرترین راهکار پیشنهادی است.

کلیدواژه‌ها: میراث فرهنگی، مرمت آثار، مخاطب، نقد مخاطب محور.

تقدیمی به

حضورِ ناب پدرم

همسرایِ همیشگی مادرم

وجودِ دو مخاطبِ همیشگی ام مهرنوش و صبا

به نام حفاظت گر چشمان شما مخاطبان

خداحافظ افکارم می گویند

پس از امروز دیگر چشم‌هایم باز نخواهند شد، دهانم را می‌بندم و قلم را روی صفحه سفید کاغذ رها می‌سازم.

سکوت، صدا، حرکت.....

این صدای حرکت قلمم روی سفیدهای کاغذ است؛ می‌شنوید! می‌بینید!

با نوری که در خود از او یافته، می‌نویسد: "معلم گرامی" جناب آقای دکتر زمانی فرد" صبر معنوی و تلاش علمی شما را می‌ستایم.

لبخند می‌زنم و قلم را دوباره روی صفحه می‌گذارم. می‌ایستد و محکم می‌نویسد: هرگز نخواهم نشست. این پُرشورترین نوری بود که آقای دکتر سامانیان در اولین جلسه‌ی مبانی به او بخشیده بود.

اکنون انگشتانم با مدیریت خود جریان نور را درون کاسه‌ی مس می‌اندازند و این را مدیون زحمات بی‌بدیل آقای دکتر رازقی می‌دانند. با این که شناسنامه‌ی کاسه‌ی مس را باید از آقای دکتر ذابح بپرسم اما کاسه‌ی مسین می‌درخشد از نور آقای دکتر بهرمان، خانم مهندس بحرالعلوم، آقای دکتر محمودزاده، آقای دکتر احمدی، خانم دکتر طاهری و خانم مهندس بهادری. وسعت نور در این جا آن قدر زیاد است که فرصتی برای دلتنگی نمایش نیست؛ از آن جهت که آقای دکتر صمد سامانیان نور خود را در اُفق تعزیه به من تاباندند.

اینک به خود می‌گویم چشمانت را باز کن، دهان بگشا و از نور تک‌تک اساتید گران‌مایه نام‌برده و مبارک نامانی که فراموش نموده‌ای سپاس‌گزاری نما پس با قلم وجودی‌ام می‌نویسم، سپاس گزارم.

حال به احترام عطر اولین قلمی که پدر در دستانم نهاد و مادر که با وجود پُر مهر خود حرکتش را مستدام نمود، می‌ایستم و از تابش نور یزدان پاک بر قلمم سپاس‌گزاری می‌نمایم.

افکارم می گویند خداحافظ

در مجموع به‌ثمر رسیدن پژوهش پیش‌رو، قدردان مدیران و کارکنان چهار موزه‌ی ملی، ملک، مقدم و جواهرات، با تشکر ویژه از خانم دکتر گرجی، خانم سپیدنامه، آقای دبیری‌نژاد، خانم مهندس زرینه و خانم مهندس اعتضادی و کارکنان پُرمهر دانشگاه هنر؛ دوست عزیز خانم سودابه لشگری، خانم مرادی، خانم صالحی، خانم ممقانی، خانم سبزی‌علی نژاد، آقای آشوری، آقای هم‌رنگ و آقای سرافراز می‌باشم.

بخش نخست (کلیات و چارچوب نظری پژوهش)

- ۱-۱. دیباچه ۲
- ۲-۱. بیان مسأله ۲
- ۳-۱. پیشینه پژوهش ۵
- ۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش ۹
- ۵-۱. اهداف پژوهش ۱۱
- ۶-۱. فرضیه‌ها یا سؤال‌های پژوهش ۱۱
- ۷-۱. روش شناسی پژوهش ۱۲
- ۱-۷-۱. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها ۱۳
- ۸-۱. قلمرو مکانی پژوهش ۱۳
- ۹-۱. قلمرو زمانی پژوهش ۱۳
- ۱۰-۱. مشکلات و تنگناهای پژوهش ۱۳
- ۱۱-۱. ساختار پژوهش ۱۴
- ۱۲-۱. تعریف مفاهیم و واژگان تخصصی پژوهش ۱۴

بخش دوم (میراث فرهنگی، بشر تاریخی، مخاطب فرهنگی)

فصل اول (اثر تاریخی به مثابه میراث فرهنگی)

- ۱-۱. چیستی میراث فرهنگی ۱۹

- ۱-۱-۱. میراث فرهنگی ملموس و مادی ۲۰
- ۲-۱-۱. میراث فرهنگی غیرملموس و معنوی ۲۰
- ۲-۲. تعاریفی از میراث فرهنگی ۲۰
- ۱-۲-۱. مخاطب جهانی به مثابه‌ی میراث جهانی ۲۳
- ۳-۱. محوریت مخاطب در تاریخ مرمت آثار ۲۵
- ۱-۳-۱. از حریم متخصص تا گستردگی مخاطب ۲۶
- ۲-۳-۱. از مواجهه مخاطب آثار مرمت تا جست‌وجوی معنا در مخاطب مرمت آثار ۳۱
- ۴-۱. تئوری ظهور مخاطب در حوزه‌ی مواجهه و مداخله مرمت آثار ۳۵
- ۱-۴-۱. رویدادهای ارتباطی با مخاطب در فرایند مرمت آثار ۳۶
- ۲-۴-۱. قلمداد از مخاطب در حیطه‌ی قوانین و کنوانسیون‌های مرمت آثار ۳۷
- ۵-۱. جمع‌بندی ۴۱

فصل دوم (بشر امروز، مخاطب اثر تاریخی)

- ۱-۲. پیوند مخاطب اجتماعی از بیگانگی مرمت آثار ۴۳
- ۲-۲. راه‌های برون رفت از وضعیت منفعل تا فعال مخاطب در مرمت آثار ۴۴
- ۱-۲-۲. ریشه‌های رویکرد دریافت ۴۶
- ۲-۲-۲. مخاطب فعال، وارث میراث فرهنگی ۴۷
- ۳-۲. دگردیسی مفهوم مخاطب مرمت آثار ۴۷
- ۴-۲. دوگانگی مفهوم مخاطبان مرمت آثار ۴۸
- ۵-۲. ویژگی مشترک مخاطبان مرمت آثار ۴۸
- ۶-۲. جمع‌بندی ۴۹

۷-۲. آراستگی در کمبود نیازهای مخاطب اثر تاریخی ۴۹

۱-۷-۲. جمع‌بندی ۵۱

بخش سوم (حفاظت - مرمت پایدار در کنار نقد تکوینی - مخاطب محور در مرمت)

فصل سوم (فرایند درک از اثر تاریخی در چرخه اجتماع)

۱-۳. تعریف نقد و اهمیت آن ۵۶

۲-۳. پیشینه‌ی نقد ۶۰

۳-۳. انواع نقد ادبی ۶۰

۱-۳-۳. انواع نقد ادبی در بین مسلمین ۶۲

۲-۳-۳. مهم‌ترین گونه‌های نقد ساختارگرا در مرمت ۶۳

۳-۳-۳. نقد در معماری ۶۷

۴-۳-۳. شیوه‌های مختلف نقد هنری ۶۸

۴-۳. نظام‌های مختلف بررسی و تحلیل نقد در مرمت آثار ۶۹

۵-۳. بینش جامعه‌شناختی و شیوه‌های مختلف نگاه در مرمت آثار ۷۳

۶-۳. حرکت از نظریه‌ها و رویکردهای جامعه‌شناختی به سمت وارثان پیام آثار ۷۶

۷-۳. فایده جامعه‌شناسی مرمت آثار ۷۷

۸-۳. جمع‌بندی ۷۹

فصل چهارم (خوانش و درک بشر امروز از اثر تاریخی)

۱-۴. اعتبار مرمت آثار در سایه‌ی نقد مخاطب محور ۸۱

۱-۱-۴. مخاطب روایت ۸۱

۲-۱-۴. روان‌شناسی خواننده ۸۲

۳-۱-۴	أفق‌های انتظار	۸۲
۴-۱-۴	خواننده مستتر	۸۳
۵-۱-۴	تجربه‌ی خواننده	۸۴
۶-۱-۴	قراردادهای خواندن	۸۴
۷-۱-۴	پدیدارشناسی	۸۵
۱-۷-۱-۴	هوسرل	۸۵
۲-۷-۱-۴	دازاین	۸۵
۳-۷-۱-۴	امتزاج أفق‌ها	۸۵
۲-۴	اصول فلسفه هرمنوتیک گادامر	۸۷
۱-۲-۴	تاریخ‌مندی فهم	۸۷
۲-۲-۴	الگوی گفتمان	۸۷
۳-۴	تکامل حفاظت - مرمت در أفق نقد مخاطب محور	۸۹
۱-۳-۴	مخاطب روایت	۸۹
۲-۳-۴	روان‌شناسی خواننده	۸۹
۳-۳-۴	أفق انتظارات	۸۹
۴-۳-۴	خواننده مستتر	۹۰
۵-۳-۴	تجربه‌ی خواننده	۹۰
۶-۳-۴	قراردادهای خواندن	۹۰
۷-۳-۴	هوسرل	۹۰
۸-۳-۴	دازاین	۹۰

- ۹۱ ۹-۳-۴. امتزاج أفقها
- ۹۲ ۴-۴. جمع‌بندی
- ۹۲ ۵-۴. از قرائت ساختارگرای مرمت آثار تا قرائت پساساختارگرای مخاطب آثار
- ۹۳ ۱-۵-۴. ویژگی‌های نقد تکوینی
- ۹۳ ۲-۵-۴. ویژگی‌های نقد مخاطب محور
- ۹۴ ۳-۵-۴. تولد الگوی نقد تکوینی / نقد مخاطب محور در حوزه‌ی مرمت آثار
- ۹۵ ۶-۴. جمع‌بندی

بخش چهارم (مرمت و مخاطب اکنون)

فصل پنجم (در گذر زمان؛ موزه‌ها، مرمت و مخاطب)

- ۹۹ ۱-۵. تاریخچه و پیشینه‌ی نمونه‌های مورد مطالعه
- ۱۰۰ ۱-۱-۵. موزه ملی ایران
- ۱۰۲ ۲-۱-۵. موزه و کتابخانه ملک
- ۱۰۴ ۳-۱-۵. خانه موزه مقدم
- ۱۰۶ ۴-۱-۵. موزه جواهرات
- ۱۰۸ ۲-۵. جمع‌بندی

فصل ششم (تثلیث نگاه مخاطب به مرمت)

- ۱۱۰ ۱-۶. تحلیل پرسش‌نامه نگاه مخاطب خاص در چرخه‌ی مرمت
- ۱۱۵ ۲-۶. تحلیل پرسش‌نامه نگاه مخاطب عام در چرخه‌ی مرمت
- ۱۱۹ ۳-۶. تحلیل پرسش‌نامه نگاه سوم در چرخه‌ی مرمت

- ۴-۶. رهیافت‌های مبتنی بر تحلیل ۱۲۰
- ۵-۶. از نگاه متخصص تا ظهور مخاطب ۱۲۲
- ۶-۶. جمع‌بندی ۱۲۸

فصل هفتم (آن سوی شیشه مرمت)

- ۱-۷. نقش رسانه در نقد مخاطب از مرمت آثار ۱۳۰
- ۲-۷. نقش آموزش در نقد مخاطب از مرمت آثار ۱۳۲
- ۳-۷. تبیین الگو نقد تکوینی - مخاطب محور با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها ۱۳۵
- ۴-۷. جمع‌بندی ۱۳۵

بخش پنجم (جمع‌بندی)

- ۱-۵. بررسی فرضیه‌های پژوهش ۱۳۷
- ۲-۵. جمع‌بندی ۱۳۸
- ۳-۵. پیشنهادها و راهبردهای پژوهش ۱۴۰

منابع و کتاب‌شناسی

- منابع به زبان فارسی ۱۴۳
- منابع به زبان غیرفارسی ۱۴۸
- تارنماهای مورد استفاده در پژوهش ۱۴۹
- مصاحبه‌های پژوهش حاضر ۱۵۰

پیوست‌ها

- پیوست ۱: واژه‌نامه انگلیسی به فارسی ۱۵۳
- پیوست ۲: واژه‌نامه فارسی به انگلیسی ۱۵۵

پیوست ۳: پیشینه‌ی نقد ۱۵۸

پیوست ۴: پیشینه‌ی جامعه‌ی آماری مورد مطالعه ۱۶۰

پیوست ۵: تعریف پرسش‌نامه ۱۷۵

پیوست ۶: تعریف تحلیل محتوا ۱۸۰

فهرست جداول

جدول ۱-۷-۴: نظریه‌های مطرح در علوم اجتماعی در پیوند مخاطب رسانه‌ای ۱۳۱

جدول ۲-۷-۴: ارزیابی الگوی نقد تکوینی - مخاطب محور در جامعه‌ی مرمت ۱۳۵

جدول ۳-۷-۴: ارزیابی الگوی نقد تکوینی - مخاطب محور با جامعه‌ی آماری مورد مطالعه ۱۳۵

فهرست نمودارها

نمودار (۱-۶-۴): تأثیر مخاطب عام از نگاه مخاطب خاص ۱۱۲

نمودار (۲-۶-۴): نگاه مخاطب خاص برای حفظ اثر ۱۱۳

نمودار (۳-۶-۴): تأثیر رسانه از نگاه مخاطب خاص ۱۱۳

نمودار (۴-۶-۴): جایگاه مخاطب عام در مرمت از نگاه مخاطب خاص ۱۱۴

نمودار (۵-۶-۴): نقش مخاطب عام در نقد از نگاه مخاطب خاص ۱۱۴

نمودار (۶-۶-۴): نحوه‌ی آشنایی مخاطب عام با مرمت ۱۱۵

نمودار (۷-۶-۴): نحوه‌ی ارتباط مخاطب عام با مخاطب خاص ۱۱۶

نمودار (۸-۶-۴): چگونگی بحث در جذب مخاطب عام ۱۱۶

نمودار (۹-۶-۴): نقش ارزش‌ها از نگاه مخاطب عام ۱۱۷

نمودار (۱۰-۶-۴): چگونگی تقویت ارتباط مخاطب عام با مرمت ۱۱۸

نمودار (۱۱-۶-۴): چگونگی تقویت ارتباط مخاطب عام با مرمت ۱۱۸

"بخش نخست"

کلیات و چارچوب نظری پژوهش

۱-۱. دیباچه

از آن جا که حضورِ دائمِ مخاطبِ هنر می‌تواند در خلق، ارتقاء و رونق آثار هنری نقش مهم و مؤثری داشته باشد، این ایده را پیش روی می‌گذارد که: فراهم آوردن و طراحی چنین نقش و جایگاهی برای مخاطب در مرمت آثار تاریخی - فرهنگی نیز شاید بتواند مؤثر واقع شود. مطمئناً این حضور می‌بایست مبتنی بر رویکردی کارآمد و متناسب با ارزش‌های مطرح در حوزه میراث فرهنگی باشد که البته با در نظر گرفتن نیازهای جامعه‌ی هنری، هنرمندان، مخاطبان و سطح آن‌ها خواهد توانست ضمن ایجاد علاقه و انگیزه به حضور مخاطب مرمت زمینه‌های نقد از سوی مخاطب را ایجاد می‌کند. در این مسیر آنچه که بدیهی به نظر می‌آید ایجاد انگیزه مناسب در مخاطب برای حضور و ایفای نقش مناسب در این راه است که لازمه آن انتخاب بهترین روش‌ها و راهکارها برای حضور و نقش مخاطب، می‌باشد. می‌توان بیان نمود استفاده از تجربیات سایر حوزه‌های ادبی و هنری، به شکل‌گیری مخاطب فعال و نقد او در مرمت آثار میراث فرهنگی منجر می‌شود.

در واقع، مطالب و نظریه‌های ادبی و هنری در خصوص نقد مخاطب محور باید به گونه‌ای سازماندهی شوند که مخاطب ضمن حرکت در مسیری هموار، به‌طور تدریجی با فرایند مرمت درگیر شود و گام‌به‌گام در یک مسیر پُر پیچ‌وخم در تولید و ایجاد نقد مخاطب محور در مرمت آثار میراث فرهنگی مشارکت کند و سطح انتظار خود از مرمت و مرمت‌گر را به‌عنوان حافظ میراث گذشته‌ی خود به اندازه‌ی مطلوب و درخور ارتقاء دهد. در چنین فرایندی نظریاتی که نزدیک‌ترین رویکرد را با مرمت و مخاطب آن می‌توانند داشته باشند را به شیوه‌های مختلف نظیر انتقال و درگیر نمودن مخاطب با فعالیت‌هایی مبتنی بر مهارت خود و در تعامل با دیگران را می‌توان استفاده کرد. بنابراین، تهیه و تدوین نظریات نقد مخاطب محور در کنار نظریات متخصصین امر مرمت و مخاطبان این حوزه چه در سطح عام و خاص گامی است در جهت برآورده شدن نیاز مخاطب و در نتیجه ارتقای سطح مشارکت مخاطب و نقد او در مرمت آثار هنری.

با توجه به مقدمه‌ای که بیان شد، نگارنده با بیان مطالبی در حوزه‌ی مخاطب در سایر حوزه‌ها و نیز نقد در کنار آن، به‌دنبال راهی است جهت حضور دائم مخاطب مرمت آثار هنری و در پی آن ایجاد نقد و درک مخاطب مرمت آثار میراث فرهنگی.

۱-۲. بیان مسأله

میراث فرهنگی ردپای انسان در طول تاریخ است [حجت، ۱۳۸۱: ۸۹] و تلاش و علاقه‌ی او به حفظ فرهنگ، تاریخ اقوام، جمع‌آوری و ایجاد کلکسیون از دیرباز از سوی مخاطبان آثار هنری و تاریخی، حضور انسان را پُرننگ‌تر می‌کند. علاوه بر این با گذر ایام و فرسوده شدن آثار، برای کمک به تداوم

عملکردی آثار و اشیا (ظروف، بناها، ...) مداخلاتی در آثار را الزام آور کرد و مرمت جزئی از هویت و تاریخ اثر به‌شمار رفت [اودی، ۱۳۸۶، ش ۵: ۸۶]. به‌طوری‌که گفته می‌شود از دوران باستان همواره در کنار یک اثر هنری یک مرمت‌گر و دانش مرمت توسط هنرمندان و صنعتگران نیز به‌چشم می‌خورد. اما علاوه بر جنبه‌ی ابزاری و یا عملکردی آثار، وجود جنبه‌ی تاریخی و تزئینی آثار و حفاظت و انتقال آن‌ها به نسل آینده، باعث شد تا مسأله انتقال صحیح ارزش‌های فرهنگی و تاریخی این آثار مورد توجه قرار گیرد. هم‌چنان که حاصل آن این که امروزه مرمت آثار فرهنگی و تاریخی به‌صورت یک رشته‌ی هنری در مراکز آموزش عالی‌هنری پا به عرصه‌ی حضور نمود. در واقع مرمت به‌معنای امروزی و در غالب علمی خود از اواخر قرن ۱۹ میلادی و با تدوین آیین‌نامه‌های باستان‌شناسی، حفاظتی و مرمتی در میان ملل مختلف جایگاه خود را یافت [میرفخرایی، ۱۳۸۷: ۱۲].

هم‌چنین در ادامه افزایش توجه به اهمیت حفظ و نگهداری آثار به‌خصوص که از دوران پس از انقلاب صنعتی و البته شروع دوران مدرن اتفاق افتاده بود، با گسترش مفاهیم مرتبط با میراث فرهنگی و اثر تاریخی از آغاز قرن بیستم تغییر رویکردها و نحوه‌ی مواجهه با آثار تاریخی - فرهنگی تحولات اساسی یافت. بدین ترتیب موزه‌ها نیز به‌عنوان محلی برای حضور مخاطب میراث فرهنگی تنوع و تکثر یافتند. به نظر می‌آید چنین گسترشی در توجه به جنبه‌های کاربردی و آموزشی و به‌طور عام پاسخ به نیازهای مردم بوده است که البته به مرور هر کدام از آن‌ها مخاطب خاص خود را نیز جذب نمودند. از طرف دیگر موضوع درک میراث فرهنگی و اهمیت انتقال صحیح آن به نسل آینده، علاوه بر اهمیت حفاظت کالبدی از اثر، به مرور به‌عنوان چالشی مهم مورد توجه مرمت‌گران و متخصصان این حوزه قرار گرفت. به‌طوری‌که به‌نظر می‌آید، درک وضعیت موجود و توجه به تمامیت اثر، و البته تمامی نشانه‌ها و مشخصه‌های مربوط به آن، در اواخر قرن بیستم منجر به تولد مفاهیمی چون "حفاظت جامع"، "حفاظت پایدار" منجر شد که منجمله، در قطعنامه آمستردام^۱ (۱۹۷۵) تلاش شده تا علاوه بر توجه به اهمیت مداخله کالبدی در حفاظت، به اهمیت درک مخاطب، ارتباط متقابل او و اثر تاریخی توجه کنند.

لذا باید گفت حساس کردن مردم نسبت به فرهنگ آثار، به‌عنوان یک حرکت اجتماعی قابل توجه به‌شمار می‌رود که یوکا یوکه‌یلیتو [۱۹۹۹، ۱۳۸۷: ۱۹۲-۲۰۴] نیز اشاره می‌کند که طی سال‌های

^۱ در این کنفرانس مشارکت مخاطبین آثار تاریخی، امری بسیار مهم برشمرده می‌شود؛ زیرا دیگر تنها سخن از مرمت کردن نیست، بلکه موضوع کیفیت بخشیدن به اثر است. زندگی آثار تاریخی فقط هنگامی ادامه خواهد یافت که از سوی عامه مردم به‌ویژه از سوی نسل جدید بر آن قدر نهاده شود، حفاظت و آموزش نیز در تمام سطوح و فراگیر باشد (حناچی، ۱۳۸۸: ۳۷).

نیمه دوم قرن بیستم منتقدان وضع موجود مرمت، حفاظت از اثر هنری به منظور صیانت از تاریخ و فرهنگ را، مأموریت اصلی مرمت گر تلقی کردند.

در واقع از این پس، مأموریت مرمت گر محدود به حفظ شرایط کالبدی اثر نمی‌باشد، و او می‌بایست سایر وجوه فرهنگی و تاریخی حاصل از متن اثر را نیز، در جهت انتقال آن‌ها به آینده مورد توجه قرار دهد. لذا مسأله‌ی انتقال کالبدی اثر به آینده مبدل به مسأله انتقال فرهنگی اثر همراه با افزایش درک مخاطب اثر در زمان مواجهه با اثر شد.

به نظر می‌آید این چنین تغییری، باعث شده تا علاوه بر افزایش اهمیت درک مفاهیم مربوط اثر فرهنگی- تاریخی، در پُررنگ کردن نقش و حضور فعال مخاطب آثار فرهنگی و تاریخی در انتقال کالبد اثر مؤثر واقع شود. به همین ترتیب، در مواردی چون حوزه مداخلات حفاظتی و مرمتی در میراث معماری و شهری، مرمت گر برای انجام مأموریت خود، نیازمند ارتقاء فعالیت‌هایی اجتماعی می‌باشد و یا حتی در موزه‌ها کسب مشارکت بازدیدکنندگان برای افزایش درک و آگاهی مخاطب از اثر و گذشته آن و البته کمک به انتقال اثر و ارزش‌های آن به آینده مورد توجه قرار گرفت.^۱ بنابراین پاسخ به سؤالات مخاطب نیز به نوعی مبدل به بخشی از اهداف مأموریتی اوست:

- به اصالت اثر در مداخلات او چقدر احترام گذاشته شده است؟

- حد و میزان مداخلات چه مقدار بوده است؟

- یا این که آیندگان چگونه در مورد این مداخلات قضاوت می‌کنند؟

همگی دغدغه مرمت گر علمی امروزه باید باشد.

با نگاه به این پرسش‌ها، می‌توان گفت که به نوعی تأمین رضایت مخاطب غایتی در مرمت اثر تاریخی- فرهنگی است که مرمت گر می‌بایست جنبه‌های مختلف ارتباط مخاطب با اثر را در همه فعالیت‌های مداخلاتی خود لحاظ نماید. هم‌چنین مخاطب برای حضور و شرکت در عرصه‌ی حفاظت اجتماعی و دائم در صحنه‌ی مرمت، برای چگونگی مواجهه خود با اثر و درک صحیح آن همواره نیازمند هدایت مرمت گر می‌باشد. چراکه بسیاری از مخاطبان آثار تاریخی با آن که خود تخصصی در زمینه مرمت ندارند اما در مواجهه با آثار و بناهای تاریخی در مقام ارزیاب مداخلات مرمتی به ارائه دیدگاه‌ها و نظرات خود می‌پردازند. هر چند که ایشان به محدودیت‌های نظری و عملی مرمت گر و ابزارهای او در مداخله نیز اشرافی ندارند.

^۱ هم‌چنان که موزه ملک به دو طریق حضوری و مجازی، خانه موزه مقدم با برگزاری دوره‌های آموزشی، فراهم آوردن مکانی برای کودکان زمینه‌های انتقال صحیح پیام از گذشته به آیندگان را فراهم نموده است.

بنابراین علاوه بر نقش بسیار موثر مخاطب در مأموریت اصلی انتقال به آینده، اغنا و مشارکت او در مرمت، می‌بایست به‌عنوان بخشی از فرایند مرمت از شروع تا اتمام آن تلقی شود. در این مسیر توجه به نوع مخاطب، و بازخوردهای او به‌صورت اساسی برای مرمت‌گر آثار تاریخی حائز اهمیت خواهد بود. چنین رویکرد و نگاهی به نقش و اهمیت مخاطب و نگاه او در مرمت، پرسش‌هایی مقدماتی را پیش روی می‌گذارد که :

- آیا این ایفای نقش مخاطب در فرایند مرمت توجه به نقد و نگاه انتقادی او تلقی نمی‌شود؟
- آثار و نتایج، نقش احتمالی نقد و حضور مخاطبان اثر تاریخی در فرایند مرمت چیست؟ و چگونه ارزیابی می‌شود؟

- مرمت‌گر چگونه می‌تواند به این حضور و احتمالاً مشارکت در مرمت بپردازد؟
و در نهایت به‌عنوان یک پرسش اساسی این که :

- نقد مخاطب محور چگونه در حوزه مرمت آثار فرهنگی - تاریخی تعریف و مورد توجه قرار گیرد؟
پرسش‌هایی که در بالا مطرح و مورد توجه قرار گرفته‌اند، اگر چه برای تحقیق حاضر طرح و پیگیری شده‌اند، اما به‌نظر می‌آید تا کنون به‌طور متمرکز مورد توجه هیچ پژوهش مشابهی در حوزه مرمت قرار نگرفته‌اند. با توجه به اهمیت این نوع از حضور فعال مخاطب در مرمت به‌عنوان یکی از عناصر مهم در چرخه‌ی مرمت، محقق به دنبال راهی است تا ضمن بررسی زمینه‌های تقویت ارتباط بین مخاطب، مرمت و مرمت‌گر، و به دنبال آن ایجاد زمینه برای بیان نظر و نقد مخاطب در حوزه‌ی مرمت آثار میراث‌فرهنگی را فراهم نماید.

در این راه با توجه به کمبودهای مطالعاتی در این زمینه، توجه و پیگیری این پرسش‌ها در قالب مسأله اصلی این پژوهش است که سعی در واکاوی و بحث در خصوص جنبه‌های مرتبط با نقد مخاطب محور و جست‌وجوی تعاریف و معیارهای مرتبط با آن در حوزه مرمت آثار میراث‌فرهنگی هستیم.

در این راه، محقق تلاش می‌کند تا با کمک از تجربیات موجود در زمینه مباحث نظری نقد در حوزه‌های ادبی و هنری و البته حضور و جایگاه مخاطب در آن، جایگاه بایسته‌ی مخاطب در مرمت آثار فرهنگی و تاریخی را بیابد و امیدوارست از همین روی پنجره‌ای به‌سوی افق روشن حفاظت اجتماعی اثر فرهنگی و هنری بگشاید.

۱-۳. پیشینه پژوهش

مطالعات ایرانی

الف) نگاه نقادانه در زمینه‌ی مداخلات

حناچی (۱۳۸۶) در کتاب بررسی تطبیقی تجارب مرمت شهری در ایران و جهان به انواع مختلف مداخله در شهرهای ایران و جهان پرداخته است. در این بررسی نقاط ضعف و قوت مرمت را در هر شهر به روشنی بیان شده است.

زمانی فرد (۱۳۹۱) در مباحث خود به جایگاه مرمت در آموزش عالی هنری و توجه به میان‌رشته‌ای بودن آن به انواع نقد در معماری و مرمت پرداخته است.

منصوری (۱۳۷۹: ۱۳۰) در مقاله‌ی خود با عنوان "روش نقد معماری" به سه نوع نقد معیاری، توصیفی و تفسیری پرداخته است. او بیان کرده است که مجموعه‌ای از عوامل و شرایط جامعه مانند شرایط اقتصادی، سیاسی، روانشناسی و غیره در نقد معماری حضور دارند. علاوه بر چرخه‌ی صنعتی در معماری به انسان‌مدار بودن معماری نیز باید توجه شود.

ب) نگاه نقادانه در زمینه‌ی ارتباط با زیبایی‌شناسی

ترجمان (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود تحت عنوان "بررسی علاقه‌مندی مردم به هنرهای سنتی و معاصر و مشارکت در این فعالیت‌ها" هنرها را به دو دسته سنتی و مدرن و مردم هم به طبقه‌ی مرفه و متوسط تقسیم می‌کند.

خویی در پایان‌نامه‌ی خود تحت عنوان "نقد و شبه نقد: تأملی در مواضع منتقدین در نقد آثار معماری" به مطالعه‌ی شیوه‌های نقد، فهم نقد و آموختن نقادی پرداخته است. او بیشتر به موضوع نقد پرداخته است. نقد را به دو دسته‌ی درونی و بیرونی تقسیم کرده است. قصد و نیت رساله حمایت، جانب‌داری و باور به موضع و مقامی خاص که از تأمل در صورت و ظاهر تفضیلی اثر معماری ابتدا می‌کند و به معنا، مفهوم، نیت و صورت خیالی آغازین اثر و سرانجام عالم آن ختم می‌شود، پرداخته است. او در پایان انواع مختلف نقد هنری را بیان کرده است و از نقد تفسیری به عنوان نقدی همدلانه و پسامدرن به عنوان نقدی شایسته در معماری سخن به میان آورده است.

خویی (۱۳۸۶: ۴۶-۶۱) در مقاله‌ای با عنوان "موضع نقد"، نقد را منحصر به بررسی وقایع مربوط به اثر می‌داند، که با آن هر چیزی بارعام می‌یابد به شرط آن که بتوان با آن اثر را با چیز دیگری به جز خود اثر مربوط کرد، در حالی که حقیقت اثر کماکان در پرده می‌ماند.

ب) نگاه نقادانه در ارتباط با مخاطب

بهار (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان "موزه، ابژه و فرهنگ" موزه‌ها و فرهنگ مکمل آن‌ها را فضایی برای حفظ و نگهداری ابژه‌ها و هویت فرهنگی جدید بیان کرده است. موزه‌ها زندگی جدیدی برای ابژه‌ها تعریف می‌کنند که درک آن به فهم فرهنگ جدید موزه‌ای، وضعیت ابژه‌ها و دیدارکنندگان نیاز دارد.